



حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست
 Worker-communist Party of Iran -
 Hekmatist

بیانیه حزب حکمتیست

**علیه جنگ و فضای جنگی،
 علیه تحریمهای اقتصادی**

جامعه ایران، طبقه کارگر و محرومترین توده های اعماق جامعه، هدف اصلی و مقدم تحریمهای اقتصادی روزافزون و فضای جنگی در کشاکش دولتهای آمریکا و غرب و اسرائیل با جمهوری اسلامی هستند. هنوز شیخ جنگ به واقعیت هولناک تبدیل نشده، کارگران و مردم محروم هر روز و هر ساعت تاوان این تحریمها و این فضا را با افت کمی و کیفی زندگی، با تشدید استثمار، گسترش فلاکت

**حزب کمونیست کارگری -
 حکمتیست**

۱۸ آذر ۱۳۹۰
 ۹ دسامبر ۲۰۱۱

**رضا شهابی
 شایسته‌ترین
 حمایتهاست**

رضا شهابی به جرم فعالیت کارگری و عضویت در هیئت مدیره سندیکای شرکت واحد ۱۹ ماه است زیر شکنجه و حبس قرار دارد. فعالیت صنفی و سیاسی کارگران در رژیمهای استبدادی و ضد کارگری شبیه جمهوری اسلامی همواره با خطر زندان، شکنجه، اعدام و محرومیت مواجه میشود. کارگران برای بدست آوردن ابتدایی ترین حقوق خود یعنی حق تشکل و اعتصاب تاکنون هزینه زیادی داده اند. رضا شهابی نمونه مقاومت و تلاش پیگیر فعالین و رهبران کارگری برای احقاق حقوق کارگران در ایران هستند. داشتن تشکل و سازماندهی کارگران برای بهبود شرایط کار و زیستشان جرم این فعال کارگری است. سرمایه داران با دولت و زندان، با مجلس و قانونشان شرایط سختی را به کارگران تحمیل کرده اند.

زبان رهبر کارگری منصور اسالو را با تیغ موکت بری میبرند، تا کارگران را از حق داشتن تشکل مستقل کارگری از دولت و کارفرما محروم کنند. تا شرایط برده واری را به کارگران تحمیل کنند. رضا شهابی به این نسل از رهبران و فعالین کارگری تعلق دارد که فداکارانه ۱۹ ماه است در زندان مقاومت میکند.

صفحه ۴

و سختتر شدن شرایط مبارزاتیشان میپردازند.

در هفته های اخیر تبادل رعدوبرق تبلیغات جنگ افزوزانه دو طرف به طرز بیسابقه ای بالا گرفته است. آمریکا و غرب تشدید تحریمها را با اضافه کردن چاشنی طرح مجدد "گزینه نظامی" عملا به ابزار گسترش فضای جنگی بدل کرده اند. جمهوری اسلامی هم با رجزخوانیهای جنگجویانه سران سپاه پاسداران در مورد حمله به سپر موشکی ناتو در ترکیه، بمباران صدوپنجاه هزار موشکی اسرائیل و سازمان دادن اشغال سفارت انگلستان، به فضای جنگی و ترس و ناامنی در جامعه دامن میزند.

تحریمهای اقتصادی که شانزده سال است بر معیشت کارگران و توده های محروم جامعه سنگینی میکند، هم اکنون ابعاد وسیعی پیدا کرده است و می رود که بخشهای اصلی اقتصاد چون نفت و پتروشیمی و حتی بانک مرکزی را شامل

**قانون کار و کارگران
 شاغل در تولیدیهای
 پوشاک**

رضا دانش

جمهوری اسلامی به مثابه نماینده و حافظ منافع بورژوازی در ایران پس از حذف پارانها ها تعرض وسیعتری به شرایط کار و معیشت طبقه کارگر را سازمان داده است. کل طبقه سرمایه دار همگام و متحد به منظور تحمیل بیحقوقی بیشتر و فراهم ساختن زمینه مناسبتری برای استثمار و بهره کشی سرمایه داران از گرده طبقه کارگر طرح اصلاح قانون کار را در دستور وزرا و نمایندگان مجلس ارتجاع

گذاشته است. مدتی است پیش نویس طرح اصلاح بیش از ۷۴ ماده از قانون کار مصوب سال ۶۹ توسط وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی و ارائه آن به مجلس شورای اسلامی نقل محافل کارگری، فعالین و رهبران کارگری و کمونیستهاست. نهادها و جریانهای ارتجاعی نظیر خانه کارگر و انجمنهای اسلامی به بهانه مخالفت با طرح اصلاحیه قانون کار به مدافعان قانون کار ضد کارگری فعلی تبدیل شده اند و تلاش دارند سمپاتی کارگران را به قانون کار فعلی جلب کرده آن را قابل دفاع و در راستای منافع کارگران جلوه دهند.

از مباحثی که این روزها طرح میشود رابطه قانون کار و کارگاهها و بنگاههای



**سناریوی
 جنگ،
 تحریم
 اقتصادی
 و وظایف**

"ابر قدرت سوم"

سلام زیجی

تقابلهای کشورهای غربی و جمهوری اسلامی نفرت انگیزند. اهداف ضد انسانی، قدرمنشانه و کاپیتالیستی خود را پشت سنگرهای دروغینی چون "هسته ای"، "حقوق بشر"، "میهن" و "امنیت ملی" استتار کرده و افکار عمومی را در

کارگران جهان متحد شوید!

گردد. تحریمهای اقتصادی مانند سلاحهای کشتار جمعی، ابزار جنایات دول بورژوازی علیه بشریت اند و باید در همین ردیف و همین ظرفیت افشا و رسوا شوند. تلفات مستقیم این تحریمها در ایران و جوامع دیگری که هدف اینگونه اعمال فشارهای قدرانه امپریالیستی قرار گرفته اند، بویژه تلفات نوزادان و کودکان، بسیار سرسام آور است.

به موازات گسترش تحریمها و بالا گرفتن تهدیدات جنگی، جمهوری اسلامی هم، از این فضا برای تشدید استبداد سیاسی و تحمیل خفقتان و سرکوب بهره برداری میکند. در سطح وسیعتری بورژوازی ایران نیز در پناه تحریمها و فضای جنگی، تعرض خود به حقوق و معیشت کارگران و توده مردم را گسترش میدهد.

صفحه ۲

کوچک اقتصادی است. در قانون کار فعلی کارگاهها و بنگاههای اقتصادی که کمتر از ۱۰ کارگر دارند از شمول قانون کار خارج هستند. در تعریف کارگاههای کوچک به لحاظ تعداد کارگران و میزبان سرمایه گذاری و گردش مالی سالیانه با لحاظ کردن شرایط اقتصادی و اجتماعی، با پیشنهاد شورای عالی کار و تصویب وزیر کار تغییراتی صورت می گیرد. بر این اساس امکان افزایش تعداد کارگران شاغل در کارگاههای کوچک خارج از شمول قانون کار به بیش از ۱۰ نفر، باعث میشود تعداد بیشتری از کارگران شاغل از شمول قانون کار فعلی خارج شوند.

صفحه ۳

در عراق و اخیرا با پیشقدمی ناتو در این تقابلها، دولتهای غربی قرار دارد که نقش کلانتر خودکار کرده آنها را هنوز دولت آمریکا بر عهده گرفته است. دولتهای که در پرونده شان کشتارهای وسیع مردم، راه اندازی جنگهای متعدد، سازمانده اولیه دارودسته های اسلامی و تروریستی نظیر القاعده و طالبان و اولین بکار گیرنده سلاح اتمی که ظرف چند ثانیه شهرهایی را با کودکستانها و مدارس و دهها هزار ساکنین بی دفاعش را خاکستر کرد.

این اولین مفاهیم و رمز شروع واقعی دستیابی جهان به دموکراسی بورژوازی و نظم و قوانین حاکم برای ساختن جهانی دیگر، جهان وحشی سرمایه داری با پایه های اقتصادی و ایدئولوژیکی بازار آزاد و دموکراسی و ملی گرایی بود. با "نظم نوین" و خونین بوش پدر در سال ۹۱ به پیش برده اند.

صفحه ۳

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

علیه جنگ و فضای جنگی ...

پشت پرده دود

آنچه دولتهای آمریکا و غرب و اسرائیل را در این شرایط مشخص به تشدید تنش با جمهوری اسلامی کشانده، نه مساله اتمی است و نه حمایت از حقوق بشر. این بهانه ها جز پرده دود برای پنهان کردن اهداف اصلی این دولتها نیستند. در پی تغییر و تحول اوضاع جهان در این چند سال: بحران اقتصاد جهانی، افت سرکردگی جهانی آمریکا، تنگناهای اتحادیه اروپا، عروج قدرتهای اقتصادی جدید و تشدید رقابت بر سر تقسیم مجدد بازارها، بویژه در پی تأثیرات مهم انقلابات شمال آفریقا و خاورمیانه بر صیفندی کشورهای منطقه، آمریکا و غرب و اسرائیل در صدد تحکیم مجدد موقعیت جهانی و منطقه ای ضربه دیده خود برآمده اند و در تلاشند تا تحولات خاورمیانه را در جهت استراتژی خود شکل بدهند. تنش با جمهوری اسلامی در چنین اوضاعی تشدید شده و بخشی از استراتژی مشترک این دولتهاست. آنها علاوه بر فاکتورهای جهانی و منطقه ای، با محاسبه فاکتور افت موقعیت منطقه ای جمهوری اسلامی و تشدید تناقضات و تنگناهای آن در جامعه ایران، تصفیه حساب جدی و نقشه مند با جمهوری اسلامی را در دستور خود گذاشته اند. از تشدید تحریمها و گسترش فضای جنگی شروع کرده اند تا نهایتا به گزینه حمله نظامی برسند. آنها میکوشند با فشار تحریمها جمهوری اسلامی را به زانو در آورند و با به ماجراجوییهای بکشاند که راه حمله نظامی را به رویشان باز کند. تحریم بانک مرکزی ایران توسط دولت انگلستان، اشغال سفارت آن کشور در تهران و تعطیل سفارت ایران در لندن تازه ترین زمینه چینی برای گزینه نظامی است. جمهوری اسلامی هم با همه توانش از تشدید تنشها برای تحکیم موقعیت خود و تشدید سرکوب و خفقان در جامعه سود میجوید و بنا به شواهد از مقابله نظامی هم استقبال میکنند.

یک طرف این تنشها دولتهای متکی بر استراتژی قدری میلیتاریستی، صاحبان بزرگترین و هولناکترین انبار تسلیحات کشتار جمعی جهان و مسئول دهها جنگ بزرگ و نابودی میلیونها انسانند. طرف دیگر هم جمهوری اسلامی است که برای حفظ موقعیت خود، از به نابودی کشاندن جامعه ابائی ندارد. رجزخوانیهای دو طرف بر متن نیاز هر دو جبهه به جنگ برای غلبه بر تنگناها و بحرانهایشان، هر لحظه میتواند به آتشزنی جنگ و مقابله نظامی بدل گردد.

طبقه کارگر برای دفاع از منافع خود و جامعه ناگزیر است علیه تحریمهای اقتصادی و فضای جنگی آمریکا و غرب و زمینه چینی شان برای جنگ، و همچنین علیه بهره برداری جمهوری اسلامی و بورژوازی ایران از این فضا بایستد و پیشاپیش صفوف زنان و جوانان و محرومان جامعه و همه آزادیخواهان، پرچم صف مستقل ایستادگی قاطع و متحدانه در برابر هر دو سوی این کشمکش ارتجاعی را به دست گیرد. پابهای تشدید تحریمها و تصاعد فضای جنگی، طبقه کارگر ناگزیر است خود را برای رویارویی با بدترین سناریوی محتمل و وقوع جنگ آماده سازد.

رنوس سیاست حزب حکمتیست در قبال این اوضاع

۱- حزب حکمتیست همه تحریمهای اقتصادی قدیم و جدید اعمال شده بر ایران و هرگونه اقدام نظامی دولتهای آمریکا و غرب و اسرائیل علیه ایران و را قویا محکوم میکند.

۲- حزب حکمتیست همزمان بهره برداری جمهوری اسلامی و بورژوازی ایران از تحریمهای اقتصادی و فضای جنگی را شدیداً محکوم میکند و برای سازمان دادن یک ایستادگی قاطع و متحدانه در سطح جامعه در برابر آن با تمام توان تلاش میورزد.

۳- حزب حکمتیست کارگران، زنان، جوانان، توده های محروم و همه آزادیخواهان جامعه را به ایستادگی سازمانیافته در صف مستقل خود علیه جنگ افروزی آمریکا و غرب و اسرائیل و علیه بهره برداریهای جمهوری اسلامی میخواند.

۴- حزب حکمتیست هر جنبش، هر جریان و هر حزب و سازمان سیاسی را که به هر بهانه از جنگ افروزی آمریکا و غرب و اسرائیل جانبداری کند و یا به بهانه مقابله با آنها جانب جمهوری اسلامی را بگیرد، دشمن مردم و شریک جنایات دو سوی این کشمکش ارتجاعی میدانند و شدیداً افشا و محکوم میکنند.

۵- یک هدف آمریکا و غرب در روند کشمکشهای جاری، شکل دادن به آلترناتیو طرفدار خود در قبال تحولات آتی در ایران در صفوف اپوزیسیون بورژوازی جمهوری اسلامی، بویژه در صفوف ناسیونالیستهای محافظه کار و جریانات قومپرست است. آلترناتیوی که منافع آنها را در روند مقابله با جمهوری اسلامی نمایندگی کند. حزب حکمتیست افشای این تلاش ارتجاعی و افشای هر نیروی اپوزیسیونی که به هر شکل و با هر توجیهی در کشمکش جاری به دخالت نظامی آمریکا و غرب و فشار تحریمهای اقتصادی شان چراغ سبز میدهند را وظیفه تعطیل ناپذیر خود میدانند. سیاست ارتجاعی اپوزیسیون راست بورژوازی، جریانات فدرالیست و قومپرست و جناحهایی از بقایای ارتجاع سبز در امید بستن به دخالت نظامی آمریکا و غرب و هر نوع حمایت از سناریوهای گوناگون دخالت دولتهای امپریالیستی در تحولات ایران تماماً در تضاد با منافع مردم ایران است و باید به نیروی آگاه و متحد طبقه کارگر و مردم آزادیخواه افشا و رسوا و ناکام گردد.

۶- طبقه کارگر بنا به موقعیت اجتماعی اش بعنوان صاحب اصلی جامعه، هیچ منفعتی در این کشمکش ارتجاعی و فضا سازی و جنگ افروزی طرفین آن ندارد. کارگران باید علیه این فضا و علیه هر گونه تعرض به معیشت و حقوق خود صفوفشان را متحدتر و فشرده تر سازند. طبقه کارگر و کمونیسم طبقه کارگر بدون اتکا به حزب کمونیستی و سازمانیابی کمونیستی خود در محل کار و زیست و بدون ایجاد تشکلهای مستقل توده ای، فاقد قدرت است و از توان دخالتگری فعال، ایفای نقش تعیین کننده در تحولات آتی و به کار انداختن ظرفیتهای طبقاتی و اجتماعی خود محروم میماند. مهمترین وظیفه رهبران و فعالین کارگری و کمونیست تلاش برای متشکل کردن طبقه کارگر در سطوح مختلف است. کارگران متکی به

مجامع عمومی و شوراهای دیگر تشکلهای توده ای کارگری لازم است تحریمهای اقتصادی، جنگ و فضای جنگی را بررسی کنند و با ایستادگی روشن و قاطع و مستقل خود صفوف خود را از بورژوازی داخلی و جهانی و همه دولتهایشان جدا کنند، جنگ را محکوم کنند و در برابر تعرض جمهوری اسلامی و بورژوازی متحدانه بایستند و از هیچیک از حقوق و مطالبات رفاهی و آزادیخواهانه خود کوتاه نیایند. تنها کارگران متشکل و متحدند که میتوانند صفوف خود و نیروهای آزادیخواه جامعه را برای رویارویی با بدترین سناریوهای احتمالی آماده سازند.

۷- حزب حکمتیست همچنین کارگران و کمونیستها و صف وسیع جوانان و مردم آزادیخواه را به تلاش برای ایجاد واحدهای گارد آزادی به مثابه ابزار دفاع از خود و اقتدار توده ای مردم در رویارویی با سناریوهای ارتجاعی و سیاه و مخاطراتی که جامعه را تهدید میکند فرا میخواند.

در عرصه جهانی

امروز شرایط جهانی برای جلب سمپاتی و حمایت انترناسیونالیستی کارگران و افکار عمومی آزادیخواه جهان از مبارزات طبقه کارگر و مردم ایران به مراتب بیشتر از سالهای گذشته مساعد شده است. امکان تکرار حرکتهایی نظیر کارگران بارانداز اسکاتلند در این شرایط بسیار بالاست. حزب حکمتیست در عرصه جهانی برای جلب گسترده ترین و فعالانه ترین همبستگی انترناسیونالیستی سازمانهای کارگری و مردم آزادیخواه همه کشورها با مبارزات طبقه کارگر در ایران تلاش میکند.

حزب حکمتیست تشکلهای و اتحادیه های کارگری همه کشورها، افکار عمومی مردم آزادیخواه، نهادها و جریانات و سازمانهای آزادیخواه، انساندوست و صلحدوست سراسر جهان را به حمایت از مبارزات طبقه کارگر و مردم ایران علیه تهدیدات جنگی آمریکا و غرب و اسرائیل، علیه تحریمهای اقتصادی گسترده ای که معیشت مردم ایران را سخت و سختتر کرده است و همچنین علیه بهره برداری جمهوری اسلامی و بورژوازی ایران برای تشدید استثمار و سرکوب و استبداد سیاسی و تحمیل فقر و فلاکت بیشتر بر کارگران و محرومان جامعه فرا میخواند.

حزب کمونیست کارگری - حکمتیست

پانزدهم آذرماه ۱۳۹۰

تلویزیون پرتو

تلویزیون پرتو روزهای جمعه ساعت ۶ تا ۷ بعد از ظهر به وقت تهران از کانال KBC روی ماهواره هات برد پخش میشود.

فرکانس پخش

HOTBIRD

DL freq.: 11604 Ghz

FEC: 5/6

Pol.: H

SR: 27500

HB: 8

TP: 155

زمان پخش برنامه های

پرتو را به دوستان و

آشنایان خود اطلاع دهید

ما را از کیفیت پخش

برنامه ها مطلع کنید

مرگ بر جمهوری اسلامی!

سناریوی جنگ، تحریم ...

در قطب مقابل یکی از جنایتکارترین، خشن ترین و ضدانسانی ترین حکومتها یعنی جمهوری اسلامی قرار دارد که تاریخ و پرونده آن نیز مملو از کشتار کارگران، آزادیخواهان، زندانیان و سرکوب و توحش بیوقفه نسلی از مردم به قدمت عمر ننگینش است. حکومتی که به استقبال فضای جنگی و وقوع هر نوع جنگی می رود و آنرا همواره "نعمت الهی" دانسته تا بدینوسیله خود را از زیر فشار اعتراض و خشم گسترده اجتماعی و طبقه کارگر ایران که سی سال است به چنین نظامی نه گفته اند رها سازد. نفس فضا سازی جنگی و محاصره اقتصادی را به دستمایه سرکوب آشکار و پنهان معترضین و از جمله جنبش کارگری و کمونیستی و جنبش زنان برابری طلب و جوانان آزادیخواه و تحمل فقر و بدبختی به مراتب بیشتر تبدیل کند. کاری که جمهوری اسلامی بارها با اتکا به چنین سناریوهایی توانسته خود را از خطر شورش جامعه و سرنگونی خود، ولو دوره ای هم که شده، خلاصی دهد. محاصره اقتصادی تاکنونی و همچنین تهدیدات نظامی آمریکا و اسرائیل و دیگران علیه ایران تا این لحظه بیشترین کمک را به جمهوری اسلامی و تداوم عمر ننگین آن و تحرک ارتجاعی جنبشهای مانند سبز و قوم پرستان و ناسیونالیسم ورشکسته ایرانی کرده است. ایست دادن به این روند و چشم انداز سناریو سیاه را تنها با مقابله گسترده و متحد و آشکار یک جنبش عظیم انسانی میتوان ممکن کرد.

قطب سوم، "ابر قدرت" سومی است که اگر بیدار

شود و متحد گردد میتواند نه تنها فضای جنگی و خطر شروع جنگ را منتفی و خنثی کند که تکلیف هر دو سیستم و حاکمیت سرمایه داری و آدمکش را روشن کند. این بزرگترین و قدرتمندترین ابرقدرت، طبقه کارگر و مردم زحمتکش و با شرف و متفرد از این کلانترهای خود گمارده است. هدف اول هر نوع محاصره اقتصادی و هر نوع جنگی همواره زیر ضرب بردن و سرکوب و تضعیف قدرت اجتماعی همین خول خفته است. تحمیل گرسنگی و پاشاندن خون به جامعه، طبقه کارگر و مردم و مدنیت را فرسنگها به عقب میبرد و افسار زورگویان و مواجب بگیران و نیروهای ملی گرا و اسلامگرا و زورنالیستهای نوکر دموکراسی را رها خواهد کرد.

طبقه کارگر و جنبش کمونیستی به همراه دهها میلیون انسان آزادیخواه و جنبشهای مترقی در ایران و آمریکا و اروپا میتوانند به میدان بیایند و اجازه ندهند دولتهای آمریکا و اسرائیل و فرانسه و بریتانیا و شرکاء که نظام اقتصادی و دموکراسی شان تا غرغره در بحران فرو رفته است، هر از چند گاهی جنگی در آن سوی دنیا برپا کنند و بعد از انهدام میلیونها انسان، "قهرمانانه" برگردند و هدایای گشودن بازار نفت و اسلحه و جاده و ساختمانسازی و مهد کودکهای که ویرانشان کرده اند در بوق و کرنا کنند و بدینوسیله به سیادت و شهادی سیاسی و حاکمیت خود تداوم بخشند. پذیرفتن چنین اقدام و سیاستی ننگ بشریت است.

همزمان نباید گذاشت که جمهوری جنایتکار و مورد تنفر عمیق اجتماعی کارگران و مردم زحمتکش که در بحران اقتصادی و سیاسی و حکومتی عمیقی

دست و پا میزند، از چنین فضای به نفع خود بهره جوی کند و با ترفند "حمله به میهن" و "اسلام" نه تنها به سرکوب و کشتار بیشتر دست بزند که بتواند میهن پرستان و اسلام پرستان خرافی و ارتجاعی را در صفوف خود متحد کند و بدینوسیله خود را از چنگال پر تنین و پر تنفر کارگران و آزادیخواهان ایران و افکار مترقی جهان فراری دهد. باید علیه فضا موجود جنگی و احتمال وقوع هر نوع جنگی با تمام قدرت از ایران تا آمریکا و اروپا بپا خاست. باید علیه تحریم اقتصادی به عنوان یکی از مهلکترین سلاح کشتار جمعی به مقابله برخاست. میتوان مراکز کار و صنایع را تعطیل کرد و هر مراکزی که در خدمت محاصره اقتصادی و جنگی مورد استفاده قرار میگیرد درش را بست.

طبقه کارگر و جنبش آزادیخواهی و ما کمونیستها موظفیم در صف متحد از هم اکنون برای مقابله با هر دو سوی این قطب ارتجاعی به میدان بیاییم. ما موظفیم که سایه این سناریو وحشتناک را از سر جامعه برداریم. و این بی تردید مهمترین گام و سنگر در تداوم استوارتر مبارزه خود برای سرنگونی کلیت رژیم جنایتکار اسلامی خواهد بود. این وظیفه تاریخی ما جنبش عظیم انسانی، "ابر قدرت سوم است". باید علیه هر دوی این دو قطب بورژوا و سازندگان سناریو سیاه، قهرمانان آدمکشی و بمب افکنها، قاتلان میلیونها کودک و انسان بی دفاع در عراق و افغانستان و لیبی و ایران و ... با اتحاد و همبستگی کم نظیری به مقابله برخیزیم.

قانون کار و کارگران شاغل در ...

صرف نظر از این که قانون کار فعلی و اصلاح شده آن در آینده به غایت ضد کارگری بوده و هست و به هیچ وجه متناسب با خواستها و مطالبات به حق کارگران و زندگی شایسته یک انسان کارگر نیست، اما همین قانون ناقص و ضد کارگری هم خارج از مباحثات و جدلهای محافل تصمیم گیری و قانونگذاری جمهوری اسلامی سرمایه در بسیاری از کارگاهها و موسسات اقتصادی کوچک تا بحال اجرا نشده و نمی شود.

به دلیل تجربه ای طولانی از اشتغال در چنین کارگاههایی، از منتهای قبل تصمیم داشتم تصویری واقعی و زمینی از کار در چنین شرایطی را مکتوب کنم. مشکل اصلی و اساسی بخش زیادی از کارگران شاغل در ایران که کمتر بدان پرداخته می شود دقیقا "عدم وجود قانون کار در کارگاههای کوچک و مناسبات نابرابر و یکجانبه ای است که از طرف کارفرما به کارگران تحمیل شده و می شود. کارگاههای تولیدی پوشاک و تعداد قابل توجه این گونه کارگاهها در گوشه و کنار کشور که سهم عمده ای در تولید پوشاک و البسه مورد نیاز مردم و سایر بخشهای صنعتی دارند از مراکزی هستند که اکثریت قریب به اتفاق کارگران آن از شمول قانون کار خارج هستند. کارگاههایی که از 10 نفر تا بیشتر از 20 کارگر در آن به کار و فعالیت تولیدی اشتغال دارند. کارگران شاغل در تولیدیهای پوشاک غالبا بصورت قطعه کاری و کنتراتی کار میکنند. دستمزد بر اساس قطعه کاری بوده و میزان آن نیز توسط کارفرما در هماهنگی با صاحبان سایر تولیدیها تعیین میشود. در این گونه کارگاهها کارگران بر اساس نوع تخصص، میزان مهارت و سابقه کار سازمان داده می شوند. کارگران تحت عناوینی مانند برشکار، وردست

برشکار، قیچی کار، چرخکار، وردست چرخکار، اتوکار، پادو و ... به کار گرفته شده اند.

این تقسیم کار در اکثر کارگاههای تولیدی پوشاک به چشم می خورد. پادو ها و وردست ها کارگرانی هستند که کمترین میزان دریافتی را دارند و باید سالیهای متمادی با کمترین دستمزد و در سخت ترین شرایط کار کنند تا در این سلسله مراتب جایگاه بهتری پیدا کنند. در طول این سالها باید انواع توهین و تحقیر را از طرف کارفرما و برشکار و چرخکارها تحمل کنند به امید این که روزی خود به چرخکاری ماهر تبدیل شوند تا دستمزدشان اضافه شود. گفتنی است چرخکار نیز باید سالها هر گونه اجحاف و بی حقوقی و غر و لند کارفرما را تحمل کند تا شاید برشکاری را یاد بگیرد. در این گونه کارگاهها عموما "خبری از قرارداد کار، حق اعتصاب، بیمه بیکاری و درمان، اضافه کار، مرخصی سالیانه، پاداش و مزایا و ... نیست. شیفت کاری و ساعات کار چند برابر حد معمول و بندرت کمتر از دوازده ساعت است. در فصل تابستان قبل از بازگشایی مدارس در مهرماه و در فصل زمستان قبل از عید نوروز بدلیل رونق بازار و افزایش تقاضا، کارفرماها و صاحبان تولیدی کارگران تولیدیهای پوشاک را مجبور میکنند، ساعات کار خود را به میزان قابل توجهی افزایش دهند. نکته جالب و در عین حال تاسف بار تقلیل 50 درصدی سطح دستمزدها در این مقطع زمانی از طرف کارفرما بدلیل افزایش تیراژ کار است. دستمزدی که قبل از این کاهش نیز بشدت پایین و از حد نرمال یا حداقل دستمزد مصوب شورای عالی کار کمتر است و کارگر شاغل برای تامین احتیاجات روزمره ناچار است شب کاری کند تا کمبود دستمزد را بدین گونه و با افزایش ساعت کار

جبران کند. تجربه کار در این فصول با بیست ساعت کار مداوم و نشستن پشت دستگاہ چرخ خیاطی، بیخوابی، خستگی مفرط و رفتن انگشتان زیر سوزن چرخ خیاطی و ... تجربه وخاطره ای مشترک کارگران تولیدیهای پوشاک در فصل مانتوی مدارس و دوخت و دوز البسه سال نو است. در این سیستم قانونی بنام قانون کار وجود ندارد تنها قانون، قانونی است که از طرف کارفرما و صاحبان تولیدیها وضع و اعمال میشود که بی شباهت به قانون جنگل نیست. استثمار و بهره کشی از کارگران در این گونه کارگاهها بشدت غیر انسانی و آزار دهنده است.

تا زمانی که نظام سرمایه داری و مناسبات آن بر مقدرات طبقه کارگر حاکم است و ما مجبوریم برای امرار معاش و زنده ماندن نیروی کار خود را هر روزه در معرض فروش بگذاریم و تا زمانی که کار مزدی باقی است این شرایط ماندگار است. قانون کار فعلی و طرح اصلاحیه آن هر دو تماما "ضد کارگری هستند. راهی از این وضعیت و دستیابی به زندگی شایسته ای انسانی برای ما کارگران در گرو لغو کارمزدی و بر پایی جمهوری سوسیالیستی است. در این شرایط خطیر و در این مقطع زمانی که بحثها بر سر قانون کار و اصلاح آن بالا گرفته است "برنامه یک دنیای بهتر" و بخش "قانون کار و رفاه اجتماعی" که اخیرا از طرف حزب حکمتیست منتشر شده است، میتواند آلترناتیو طبقه کارگر و کمونیستها در جهت افزایش آگاهی و اتحاد طبقاتی ما در این مصاف جدی و سرنوشت ساز بر سر قانون کار و عقب راندن تعرض سرمایه داری و حکومت جمهوری اسلامی سرمایه در این مورد باشد.

زنده باد جمهوری سوسیالیستی!

قربانیان طبقاتی یک جنگ اعلام نشده در جامعه سرمایه داری

منصور حکمت

... اگر از کسی بپرسند که آن جنایات اصلی که در تاریخ بشر میشود اسم برد کدام است روی این چیزها انگشت میگذارد، دو جنگ جهانی، فاشیسم هیتلری، کوره‌های آدم سوزی، هیروشیما، جنگ ویتنام، جنگ ایران و عراق و غیره. اینها جنایتهای بزرگی بوده است که همه میشناسند. هم جانیان را میشناسند و هم قربانیانش را. اما یک جنگ اعلام نشده و یک جنایت در حال جریانی در متن جامعه سرمایه داری هست که همه اینجا اشاره کردند که قربانیانش از نظر تعداد کمتر از این نمونه‌های برجسته جنایت در تاریخ نیست. همانقدر آدم روانه گورستان میکند، همانقدر آدم روانه بیمارستان میکند، همانقدر خانه‌ها را از هم میپاشد، همانقدر شادی‌ها را به غصه و غم تبدیل میکند که هر کدام از این دوره‌های تنگ آور در تاریخ بشر. اما فرقی در این است که در این مورد قاتلین و جانیان دارند کنار قربانیان خودشان قدم میزنند و کسی نمیتواند نشانشان بدهد و بگوید مسئول مرگ آن هزاران نفر این کسی که اینجا دارد راه میروند با این نهاد است و این موجودی است که تازه خودش را هم از بقیه جامعه معتبرتر و بالاتر میدانند. قربانیان این جنایت خیلی معلوم و مشخص اند. این جنایت قربانیانی طبقاتی دارد. اینطور نیست که بمبی روی محله‌ای افتاده و عده‌ای جانشان را از دست داده‌اند. این جنگی است علیه بخش مشخصی از جامعه. علیه طبقه کارگر. من فکر میکنم آن چیزی که کارگر در بحث ایمنی محیط کار باید متوجه آن باشد در درجه اول کل این مساله در همین ابعاد آن است. در کشوری مثل ایران و در کل در کشورهای سرمایه داری عقب افتاده‌تر و همینطور در حوزه‌های عقب مانده‌تر تولیدی در خود کشورهای پیشرفته، مثل شمال انگلستان و جنوب ایتالیا و غیره، این را ما به طرز

برجسته‌های میبینیم. چند سال قبل بود که مساله نشت گاز در بوپال هندوستان وجدان تمام دنیا را آزرده کرد. دوهزار نفر فقط بخاطر اینکه گاز در یک کارخانه انگلیسی نشت کرده بود در شهر مجاور مردند و عده خیلی بیشتری از پیر و جوان و بچه کور و معلول شدند. این اتفاق را کارگر انگلیسی اجازه نمیدهد به اینصورت در جامعه انگلستان رخ بدهد. اما سرمایه دار انگلیسی کارخانه‌ای را که کارگر انگلیسی اجازه نمیدهد در این کشور نصب شود بر میدارد و میبرد هندوستان چون آنجا جان آدم ارزش ندارد. خود دولت هندوستان میگوید جان کارگران ما ارزش ندارد. بازارش دارد میگوید جان کارگران ما ارزش ندارد. کارخانه تان را بیاورید، از کارگران استفاده کنید و هر وقت هم نخواستید دور بیاندازید. در همان هندوستان در همان دوره فاجعه بوپال گزاشی بود از یک کارخانه تولید اسبستوس. ماده‌ای است نسوز برای ایزولاسیون و عایق صنعتی که در کلاچ و ترمز ماشین هم هست و غیره. در اروپا اگر کارگر متوجه بشود که در فلان ایزولاسیون اسبستوس بکار رفته اتحادیه فوراً دستور میدهد که تکان نخورید، دست نزنید، متخصص باید با وسائل خاصی بیاید و آن یک پاکت اسبستوس را پاک کند. چون سرطان خاصی در ریه ایجاد میکنند. اما در همان هندوستان و مطمئناً در کشوری مثل ایران کیسه اسبستوس را مثل کیسه سیمان داده‌اند دست یک نفر پابرهنه از این گوشه انبار به آن گوشه برود و گرد و خاک آن هم در هوا پخش بشود. این یعنی سرمایه دار و دولت سرمایه داری در این کشورها دارد میگوید که من در این کشور کاری کرده‌ام که جان آدم ارزش ندارد. کارگران ما مفت هستند، بیایید مصرف کنید و دور بیاندازید. یا خبر ریزش معادن و حبس شدن کارگران زیر زمین. دهها و صدها نمونه از اینها هست که فقط موارد برجسته آن را در روزنامه‌ها مینویسند. ولی این یک جنایت در حال جریان و دائمی است... چیزی که من فکر میکنم اینست که، همانطور که رضا مقدم گفت، یک نفر آمده و در این قانون کار اعتراف به قتل و مردم کشی کرده. دارد میگوید برنامه اش چیست. دارد میگوید همان بفرمائی را که دولت‌های این نوع کشورها به سرمایه میزنند را میخوام بزنم. شما جانتان ارزش ندارد. البته اگر

دیدم جانتان در خطر است من اینها را در یک دفتری ثبت میکنم. این حداکثر چیزی است که در این قانون هست. بنظر من این باید از طرف کارگر ایرانی تودهنی بخورد. بنظر من هیچ بخشی از طبقه کارگر در ایران نباید چنین موقعیت پائینی را برای خود قبول بکند که بله آن چیزی را که کارگر آلمانی نمیگذارد به او تحمیل بکنید را بیاورید به ما تحمیل بکنید. این بدترین نوع تسلیم شدن به طبقه سرمایه دار است. منم فکر میکنم باید بالاترین استانداردهای بین المللی در کشوری مثل ایران و در هر کشور دیگری از نظر امنیت محیط کار برقرار باشد. این دستگاههایی که ساخته میشود در کشور مادر هزار و یک مقررات و شرط و شروط برای نصب و استفاده اش همراه دارد. سرمایه دار فکر میکند اگر بخواهد اینها را رعایت کند از سودش زده است. بر میدارد و تا بتواند جنبه‌های ایمنی را حرس میکند و دور از چشم افکار عمومی اروپا، که برایش مساله است، یکجائی بکار میاندازد. چیزی که ما باید بخواهیم اینست که این دستگاهها باید با همان موازین ایمنی که مورد نظر بوده است نصب بشود بکار بیافتد. تازه همانهم کافی نیست. در خود روند ساختن این دستگاهها به اندازه کافی از امنیت آنها زده‌اند. یکی از مشخصات اختراع کردن ابزار برای سرمایه اینست که مخترع بتواند کاری بکند که دستگاه ارزان و "اقتصادی" باشد. خود محقق و سازنده قبلاً از امنیت اینها زده است. فقط به درجه‌ای این ضوابط وارد شده که یک مراجع کارگری در این جوامع فشار میگذارند. بهرحال ما باید بخواهیم بالاترین استانداردهای بین المللی رعایت بشود. تکلیف "مخترع مسلمان" خودمان هم دیگر روشن است. بنظر من کارگران نباید همینطوری به کار با دستگاههایی که یکی بی هیچ صلاحیتی گل هم کرده است تن بدهند. هر ابزاری باید به هزار و یک طریق تست شده باشد تا کارگر برود با آن کار بکند. دوم اینکه بنظر من باید تمام قضیه نظارت و کنترل ایمنی محیط کار کارگری باشد."

بخشی از بحثهای منصور حکمت درباره ایمنی و بهداشت محیط کار در میز گرد بررسی قانون کار جمهوری اسلامی (از فصل ۱۲ کتاب "کار ارزان، کارگر خاموش")

رضا شهابی شایسته ...

با اتهامات واهی در زندان نگه داشته شده است، تا سایر کارگران را از فعالیت کارگری و سندیکایی بترسانند. میخواهند با شکنجه و پاپوش دوزی دفاع از حقوق کارگران را کاری مجرمانه اعلام کنند. نیروی طبقه ما باید آگاهانه این ترغدها را کنار بزنند. طبقه کارگر اگر گلوی دولت و سرمایه داران را در تولید بفشارد، میتواند رضا شهابی را همین امروز آزاد کند! این ممکن است اگر آزادی فعالین کارگری به امر همه کارگران در بخشهای مختلف کارگری تبدیل شود. چند سال گذشته سندیکای شرکت واحد و هفت تپه بیشترین هزینه را برای داشتن سندیکا پرداخت کرده اند. نباید آنها را تنها گذاشت.

اکنون رضا شهابی در شرایط جسمی سختی بسر میبرد. تلاشهایی برای آزادی فوری این کارگر زندانی در جریان است.

اخیراً "کمیتة دفاع از رضا شهابی" تشکیل شده است. این حرکت مناسب و جسورانه شایسته بیشترین حمایتهاست. ما همه کارگران و تشکلهای کارگری و انسانیهای آزادیخواه، احزاب چپ و رادیکال را به حمایت از این اقدام و دیگر اقدامات برای آزادی فوری رضا شهابی فرامیخوانیم. حزب حکمتیست به سهم خود برای تحت فشار گذاشتن جمهوری اسلامی به منظور آزادی فوری و بی قید و شرط همه فعالین کارگری و آزادی فوری رضا شهابی تلاش جدی میکند.

رضا شهابی آزاد باید گردد!

مرگ بر جمهوری اسلامی!

زنده باد آزادی برابری، حکومت کارگری!

حزب کمونیست کارگری-حکمتیست

پانزدهم آذر ۱۳۹۰

نشریه حزب کمونیست کارگری - حکمتیست

سردبیر: رحمان حسین زاده

hosienzade.r@gmail.com

www.hekmatist.com

کمونیست را بخوانید

کمونیست را بدست کارگران برسانید

کمونیست را تکثیر و توزیع کنید

به کمونیست کمک مالی کنید



زنده باد سوسیالیسم!